

## جریان زندگی در گ بازار جاری است گذری در بازار بزرگ تهران



زروجان احمدزاده، راهنمای طبیعت گردی

یکی از جذاب ترین قسمت های سفر بازار گردی و خرید کردن است: حالا چه پاساژ و مرکز خرید مدرن باشد، چه بازار قدیمی و سنتی شهر، که هر کدام لطف خود را دارد. اکثر شهرهای ایران، یک بازار سنتی معروف دارد که همیشه شلوغ و پر رفت و آمد است که جاذبه مساله خرید و پیدا کردن سوغاتی بهترین مکان برای شناخت بیشتر فرهنگ، اقوام و سنت های آن شهر است. معروف ترین بازارهای سنتی ایران در شهرهای شده اند که قصد داریم امروز در کوچه پس کوچه های بازار تهران قدم بزنیم.

## فاطمه در خشان، دکترای جامعه شناسی فرهنگی

هربرت مار کوزه از مهم ترین اندیشمندان مکتب فرانکفورت در اثر خود با نام «انسان تک ساحتی» بیان می کند در جامعه مدرن که در آن شاهد رشد تکنولوژی و به دنبال آن رشد رفاه انسان ها هستیم، به همان اندازه روح آزادی، عصیان گری و انتقاد از انسان هاسلب شده و آنها را به انسان های تک بعدی، مسخ شده و تنها تبدیل کرده است. در ادامه مار کوزه ادعا می کند در چنین جامعه های هر آن کس که در فکر زندگی آزاد باشد، از نظر دستگاه حاکمه به عنوان دشمن جامعه سرمایه داری معرفی می شود؛ زیرا بیداری انسان ها، مانع بهره وری و منافع صاحبان قدرت خواهد شد. به همین دلیل پرسش همیشگی مار کوزه به عنوان یک اندیشمند جامعه شناس این بوده است (سابق) است و در غرب به خیابان خیام منتهی می شود. در زمان صفویه تهران چهار محله اصلی داشته که یکی از آن محله ها به محله بازار معروف بوده است که چندین حجره بود که در آنجا فعالیت داشتند. در زمان شاه طهماسب صفوی که این بازار احداث شد، در ابتدا بدون سقف بود، اما با روی کار آمدن قاجار و انتقال پایتخت از قزوین به تهران، آقا محمد خان به این بازار رونق بخشید و حجره ها، دالان ها و کاروانسراهای آن را مورد بازسازی قرار داد. بعد از ساخت مسجد جامع، مجموعه بازار توسعه یافت. چندین سرا و تیمچه به بخش بازار اضافه شد و در دوره ناصرالدین شاه نیز ورودی اصلی بازار بزرگ ساخته شد. سراهار بازار تهران نقش کاروانسرا را داشتند و دو طبقه ساخته می شدند که طبقه بالا دفتر تجار تخانه بود و دو طبقه پایین حجره قرار داشت. در سراها معاملات کلی و عمده انجام می شد و تاجرها خرید و فروش می کردند. از سراهای معروف بازار بزرگ تهران می توان به سرای حاجی زمان اشاره کرد. این سراهای خیابان بازار مسگرها، خیابان بازار چهار سوقین قرار دارد و امروزه بورس پارچه است.

## تجسمی

## نگاهی به نمایش «گفت و گو با دیگری» که در گالری «ا» بر پا شد

## نظر به هیچ کجا



علیرضا بخشی استوار

سال ها قبل هنرمندان ایرانی که در یکی از کشورهای اروپایی به فعالیت می پرداخت، جمله قابل تاملی را در یک گفت و گو خصوصی مطرح کرد: «مانتگار می سرزمین ماندم». نمایشگاه «گفت و گو با دیگری» که علی نصیر برای نمایش در گالری «ا» گردآوری کرده است به آثار پنج هنرمند جوان ایرانی می پردازد که در بیرون از مرزهای این کشور به فعالیت هنری مشغول هستند و در مسیر کاری خود موفقیت هایی را به دست آورده اند. ایمان رضایی، مهدا علیزاده، پگاه کشمیر شکن، دنیا حسینی وند عالی پور و مهدی نعمتی هنرمندانی هستند که در این نمایش آثارشان روی دیوار رفته است.

## نمایش پیوندهای نامرئی

اما آنطور که در بیانیه این نمایش آمده، موضوع اصلی آثار این هنرمندان پیرامون پرسش های فلسفی بیشمار شکل گرفته که دورادور بحث مهاجرت شکل می گیرد. مفاهیمی چون «جابه جایی»، «مکان»، «هویت ملی» و «خانه». در خلق این آثار نه به مباحث کلیشه ای و کلان در حوزه مهاجرت که سال ها است در دل آمار و ارقام بیان می شود که به پیوندهای اغلب نامرئی



محمدرضا خورشو، مدیر شبکه نسیم، حذف سروش صحت از اجرای برنامه «کتاب باز» را تایید

درونی انسانی را به طور نمادین به تصویر بکشد. در واقع «فرآیند» به ظاهر یک کمدی اکتیبا سسی فراموش است که بیشتر می توان آن را تراژیک قلمداد کرد. شروع نمایش با ورود آقای «کا» نماد یک انسان مسخ شده در دنیای امروزی همراه با یک در منجر کاست که می تواند نماد تعرض و خشونت، اما با چهره های زیبا و قانونی در این روایت باشد. البته تعرضی که تا جایی می تواند خود خواسته باشد. نمایش گویای تعارض میان هویت فردی و جمعی آقای کاست است. فردی که تلاش می کند مرز میان حریم شخصی و درونی خود را با دنیای بیرون و حیات جمعی حفظ کند؛ اما موفق نمی شود. آقای کانماینده فردی است که در ابتدا برای اینکه فضای درون و شخصی خود را با دیگران به اشتراک نگذارد، مقاومت می کند و حتی این مسئله را از طریق قانونی پیگیری می کند؛ اما به تدریج که از هویت فردی خود خالی می شود، به پذیرش می رسد. موضوع از میان رفتن هویت و آزادی فردی در مقابل ساختار جامعه و منفعل بسودن آدمی در دنیای مدرن بدون هیچ گونه خشونت و حتی به شکل قانونی و مدنی، هم در داستان «حکا که» کافکا و هم «تجاوز قانونی» کوپو آبه روایت و به نقد کشیده شده است. این روایت و اقتباس از کافکا و کوپو آبه در نمایش «فرآیند» از نقاط قوت این نمایش است.

قطعا دکور مینیمال، کارپردی و خلافتانه، متناسب با روایت داستان و در خدمت متن بوده و کمک بزرگی به روند آن کرده است. جمع و باز و بسته شدن و متحرک بودن طراحی صحنه خودنماد تحمیل تغییرات به شخصیت

## یادداشتی بر نمایش «فرآیند»، به کارگردانی علی کرسی زر

# تجاوز شبه دموکراتیک



اصلی داستان است. نورپردازی نیز در خدمت شخصیت پردازی ها است؛ اما در نمایشی که شخصیت محور است چنان کار فوق العاده ای نبوده است و

بر مخاطب تأثیر گذارند. سپهر طهرانچی به خوبی توانسته از عهده ایفای نقش آقای کار آید، وضعیت جسمانی، حرکات بدن و چهره وی در ماندگاری و مورد تعرض قرار گرفتن این نقش را به خوبی نشان می دهد. وی انتخاب خوبی برای این نمایش بوده است. به طور کلی می توان گفت همه بازیگران در خدمت متن و صحنه بودند. با این حال اگر مخاطب، داستان «تجاوز قانونی» کوپو آبه را خوانده باشد، روایت های کلی و حذف جزئیات برایش حوصله سسر بر خواهد شد؛ چون به جزئیات آگاه است و از پیش نشانه ها و نمادهای حذف شده را رمزگشایی کرده است. این بدین معناست که نمایش «فرآیند» چیزی فراتر از یک اقتباس است و آشکارا و مستقیماً به بسیاری از زوایای داستان تجاوز قانونی اشاره کرده است و این موضوع انتظار مخاطب حرفه ای را بالا می برد. با این حال در روند روایت به دلیل کلی گویی ها نقاط مبهمی نیز وجود دارد؛ حتی برای کسانی که از داستان مطلع نیستند. البته به این نکته نیز باید توجه کرد که عوامل تولید نمایش با محدودیت های اجرایی، زمانی و مکانی روبرو هستند و این می تواند به نوعی به تصویر کشیدن روایت تأثیر گذار باشد. «فرآیند» نمایشی است که مخاطب را با خود همراه می کند و وی را همچنان در موقعیت تفکر و تحلیل قرار می دهد تا جایی که می تواند او را آوار کند که با شخصیت اصلی داستان هم ذات پنداری کند که آیا هم در دنیای حاضر مورد تجاوز قانونی یا خشونت شبه دموکراتیک انسانی قرار گرفته ام؛ اما در انتها توجه به وجود یک در متحرک که به عنوان منشأ

## «فرآیند» به خوبی توانسته است نابودی فردیت و مورد تعرض قرار گرفتن حریم شخصی و درونی انسانی را به طور نمادین به تصویر بکشد. در واقع این نمایش به ظاهر یک کمدی اکتیبا سسی درام است که بیشتر می توان آن را تراژیک قلمداد کرد

بدبختی آقای کاست تصویر شده است. این پرسش پیش می آید و ذهن مخاطب را با خود درگیر می کند که مورد خشونت و تعرض قرار گرفتن ظاهر دموکراتیک آقای کا، آیا یک اتفاق ساختاری، جبری و اتفاقی است و یا اینکه خود آقای کادر شروع این تجاوز دخیل بوده است؟ آیا در دنیای مدرن این ما انسان ها، خود، شرایط مورد تجاوز قرار گرفتن را فراهم می کنیم یا به طور کلی منفعل هستیم و این ساختار جامعه در اشکال مختلف اجتماعی، حقوقی در قالب نهادهای قانونی و سیاسی و فرهنگی در قالب رسانه ها مورد تجاوز دموکراتیک و شبه انسانی قرار می گیریم؟ آیا همه افراد جامعه تحت انقیاد این نهادها قرار می گیرند یا اینکه اقلیتی می توانند تحت لوای همین نهادهای قانونی بر اکثریت مسلط شوند؟ اقلیتی که با روشی نرم و غیر خشونت آمیز سعی بر انقیاد اکثریت می کنند: «اون چیزی رو که انکار می کنی باعث شکست می شه؛ اما اون چیزی که قبول می کنی فقط باعث می شه تغییر کنی.»

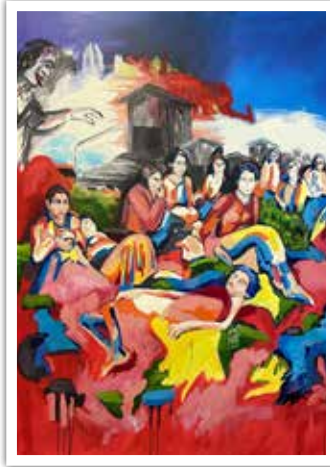
## آثار بسیاری از هنرمندان حاضر در نمایشگاه، اگر چه فضای شوخ و شنگی دارند و تنوع رنگ در آنها در ابتدا حس شادابی و زندگی را به ما القا می کند، اما در پس این رنگ های فریبنده، جهانی تلخ و پر از اضطراب و بی معنایی خوابیده است

آثار بسیاری از این هنرمندان حاضر در نمایشگاه، اگر چه فضای شوخ و شنگی دارند و تنوع رنگ در آنها در ابتدا حس شادابی و زندگی را به ما القا می کند اما در پس این رنگ های فریبنده، جهانی تلخ و پر از اضطراب و بی معنایی خوابیده است. فضاها تبدیل به ناگجا آداهایی شده اند که ما آن را نمی شناسیم. حتی آن چیزهایی هم که به چشم ما آشنایی آید در نهایت امر خالی از معنا شده است. ماندگار پگاه کشمیر شکن که با انتخاب صحیح رسانه ای که برای نمایش اثرش در نظر گرفته این حس را در مخاطب خود تشدید می کند و همه این ناشناخته ها به درستی با محیط زندگی و زیست امروز همه ما پیوند تنگاتنگ دارند. شاید از همین دریچه است که گفت و گو میان ما با هنرمندان شکل می گیرد. زندگی در موقعیتی مشترک که فهم آن دشوار و پیچیده شده است و برای سوال های متعددمان پاسخی نیست. در پس تماشای این آثار جدای از لذتی که می بریم آثار می توانیم با هنرمندان این نمایش ابزار همدردی کنیم و به تجربه آن ها نزدیک شویم.

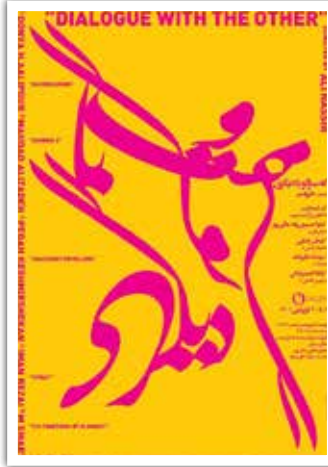
## درون هر یک از آنها افکار و ایده های مختلفی وجود داشته باشد.

## نمایه ای از هنر جهانی

این آثار در نگاه نخست زبانی همطرا با زبان جهانی در هنر معاصر دارند. چیزی که در جریان هنر امروز جهان و اروپا از آن استقبال می شود و در گالری های روز اروپا و در اکسپوها و آرت فرهای متعددی توان آثاری شبیه به آنها پیدا کرد. منظور از این گفته آن نیست که هنرمندانی که آثارشان در این نمایش روی دیوار رفته مقلد هستند. بلکه این آثار در دل جریان های هنری متعدداً تاحدودی شبیه به هم شکل گرفته است. یافتن المان ها و تصویری که به نوعی بر چندپاره شدن وجود هنرمند صحنه می گذارد در آثار این نمایش کار دشواری نیست. یا حتی آیکون ها و شمایل هایی که ما را به هنر ایرانی وصل می کند.



از پس بسیاری از مفاهیم و نظریه ها هم نمی توان به جواب روشن و مشخصی درباره این موضوعات رسید. مثلاً تنوع طیف های رنگ در آثار دنیا عالی پور و مهدی نعمتی می تواند خوانش ها و تفاسیر متعددی داشته باشد. همانطور که اثر پگاه کشمیر شکن و نوع متریال کارش. حتی مجسمه هایی که مهدا علیزاده به نمایش در آورده یا آثار ترکیبی ایمان رضایی. در واقع شاید مهم ترین اتفاق در پس این نمایش فهم همین نکته است که وضعیت جهانی امروز به دلیل گستردگی ایده ها و افکار و چندپارگی ما را در برقراری دیالوگ دچار مشکل و در بیشتر مواقع دچار تردید می کند. انگار لازمه گفت و گو با این آثار نوعی سکوت در برابر آنها نوعی مواجهه صرف، خالی از هر نوع خوانشی است. به نوعی این آثار علیه تفسیر عمل می کنند اگر چه



و غیر قابل اندازه گیری این هنرمندان با ایران و فضاهای میانی که هنرمندان بدون توجه به جغرافیا در آن زندگی می کنند توجه شده است. برگزار کنندگان این نمایش بر این باور هستند که روایت های شخصی این هنرمندان و گفت و گو درباره تجربه خلق اثر هنری، پتانسیل ایجاد بینش فلسفی عمیق تری در مورد مهاجرت، وضعیت جهانی و مهاجران را در خود نهفته دارد و از شکل ارتباطی متفاوتی درباره این گفت و گو سخن به میان می آید. برگزار کنندگان این نمایش معتقدند این هنرمندان اگر چه در خارج از ایران زندگی و کار می کنند، اما دامنه فعالیت آنها در نهایت در پیشرفت فضای هنر ایران قابل اندازه گیری است. اما به واقع این آثار چگونه و با چه خوانشی می توانند بستری باشند برای گفت و گو؟ آیا باید از پس نوعی خودبیگانگی خوانش های روانشناختی از این آثار داشت یا این که با توجه به این آثار متوجه روند و ریه هنر در بیرون از مرزهای این کشور شد و به هنر معاصر اشاره داشت؟ یا این که باید با توجه به زمینه هایی که در آن نوعی هویت ملی یا ایرانی نهفته است به مطالعه یا گفت و گو با این آثار بپردازیم؟

## سکوت میان گفت و گو

مبنای این گفت و گو مانند همه پرسش هایی که در بالا آمده تا اندازه زیادی روشن نیست. این اتفاق نه از سر آن است که افرادی که قصد برگزاری چنین نمایشگاهی را داشته اند بی ملاحظه و بیاری به هر جهت فقط قصد برگزاری نمایشی را داشته و به بسیاری از جوانب آن فکر نکرده اند. اتفاق اصلاً در همین نقطه آغاز می شود که این گفت و گو مبنای پرسش هایی می شود که بی جواب است و

## حذف سروش صحت از برنامه «کتاب باز»؛

## صدا و سیما سرمایه های رادوست ندارد

نیز در فضای آثار نمایشی مشغول کار هستند. مصطفی دادنده، در عصری بران در این مورد نوشت: گویا عمر حضور سروش صحت در برنامه محترم «کتاب باز» به پایان رسیده است و او به

جرم و روشنفکر بودن دیگر حق اجرای این برنامه را ندارد. شنیدن این خبر در گوشه ای از اهالی رسانه البته زیاد عجیب نیست؛ این رسم صدا و سیماست که در خروجی راه آدم های محبوب و مقبول نشان دهد. کدام برنامه را با محوریت کتاب سراغ داشتید که مردم پای آن بنشینند و به حرف های مهمان ها گوش کنند؟ قدر افراد بعد از دیدن این برنامه به

کتاب علاقه مند شدند. برنامه صدا و سیما فعلاً قدرت دادن به افرادی خاص است. بهره گیری از مجری هایی که نزدیک به یک تفکر سیاسی که در سپهر سیاست ایران به تدریج معروف هستند به خوبی حکایت از این معنا دارد. البته مانند که تلویزیون فعلاً را قایت با ماهواره رادری بخش آگاهی بین برنامه های پهنده هر کسی آگاهی بیشتر بخش کند، برنده است.